



عبادت و قانون

آنچه از قرآن و سنت و سخنان رهبران آسمانی و الهی، وسیره، آنها بدست می آید اینکه هدف همه انبیا و آنچه برایش رنج دیده و زحمت کشیده اند و جان خود را برایش بخطر انداخته اند، همانا بندگی خداوند و عبودیت بوده است.

"وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا"

"أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ" (۱)

بلکه از جای دیگر استفاده می شود که خلقت همه موجوداتی که دارای حیاتی همراه با درک هستند برای همان است.

"وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ"

"إِلَّا لِيَعْبُدُونِ" (۲)

نیافریدم و خلق نکردم جن و انس را مگر برای عبادت. اما باید توجه داشت

آیت الله صانعی

عضو فقهای شورای نگهبان عضو جامعه مدرسین

حُكُومَاتِ اسْلَامِي

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تألیف جامعه علم‌اندازان

"إِلَّا إِيَّاهُ" (۳)
حکومت نمی باشد، مگر برای خداوند، دستور داده عبادت ننمایند مگر او را.
در کنار هم قراردادن اختصاص حاکمیت و عبادت به خداوند گویای همان معنای وسیع است.
ناپنجاروشن شد که حاکمیت قانون خداوند است که باید بخاطر آن تا سرحد جان فداکاری کرد، و همانا شهادت حسین علیه السلام و بارانش و شهادت همه شهدای انقلاب و نهضت اسلامی ایران بجهت آن انجام گرفته، و با توجه به اینکه قانون

روزه، مستحبی گرفتن نمی باشد، بلکه عبادت به زیاد فکر کردن و استخدام نمودن عقل است.
با درحالات ابودر نقل شده که عبادت او زیاد ترش تفکر و اندیشیدن بوده، بلکه آن عبادت عبارت است از: تسلیم در مقابل قوانین او و اطاعت از آن در همه ابعاد زندگی، از قوانین و حقوق فردی و اجتماعی، و قوانین عبادی و جزائی و قضائی تا مقررات اجرایی و امور مربوط به حکومت باید رعایت شود، که در حقیقت این همان حاکمیت "الله" است.

"إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ آمْرًا لَاتَعْبُدُوا"

که عبادت خلاصه نمی شود در انجام یک سلسله از واجبات و مستحبات بقصد قربت و اطاعت از فرمان او، همان طرز که خلاصه نمی شود در معنای وسیعتر، یعنی انجام عمل برای خداوند، که در سخنان رهبران و ائمه معصومین اطلاق عبادت شده مثل اینکه از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده:

"لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ"

"وَأَيْمًا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِيَّ"

"آمَرَالله" (۳)

عبادت منحصر در زیاد نماز مستحب و

اساسی جمهوری اسلامی الهام گرفته از کتاب وسنت است. توجه عمیق به اسلام دارد، مخصوصاً اصل ۴ و اصول ۹۱ و ۹۲ و ۹۶ آن که در رابطه با مخالف نبودن مقررات و قوانین و آئین نامه مملکت با احکام اسلام، و در رابطه با عدم مغایرت مصوبات مجلس با آن باید گفت:

همان ارزشی را که جامعه ما برای احکام خداوند قائل است شبیه آن را باید برای قوانین مملکت قائل باشد. و همان دقتی که راجع به آنها می نماید، راجع به مقررات مملکت اسلامی باید نمود. چون در رابطه با مقام "ولایت فقیه" که سرچشمه گرفته از "ولایت الله" است.

برای اثبات ارزش حاکمیت مقام رهبری و امامت کافی است که توجه شود به آنچه شیخ محدث بزرگوار شیخ صدوق متوفای سال ۳۸۱ هجری، برای اثبات جواز قصاص مسلم در کشتن کافر معاهد، یعنی کسی که با مقام امامت و حکومت اسلامی قرار داد زندگی مسالمت آمیز بسته که می گوید:

"والخلاف علی الامام والا متناع علیه"
 "بوجبان القتل فمادون ذلك، كما جاء"
 "فی التولبی اذا وقف بعد اربعة اشهر"
 "امره الا امام بان یفی" او یطلق، قمتی"
 "لم یفی" و امتنع من الطلاق ضربت"
 "عنقه لا متناعه علی امام المسلمین"

(جوهر الکلام ج ۲ ص ۱۵۳)

مخالفت با امام و امتناع ورزیدن از او امرش موجب قتل است... همچنانکه درباره "تولبی" یعنی کسی که قسم می خورد که بازنش آمیزش نکند، اگر چهار ماه بگذرد و امام او را امر کند که با رجوع کند به همسرش، و با او اطلاق دهد، اگر اطلاق دادن امتناع ورزید باید کشته شود، زیرا او مخالفت با امام مسلمین کرده است. نمی توان باور

نمود که انسان مسلمان انقلابی نسبت به آنها بی تفاوت یا خدای نخواسته نقض قوانین را بنماید، که خود گناهی است بزرگ، و تخلف از مقررات و قوانین حکومت الهی را باید گفت: آنان که نقض قانون می نمایند و

● عبادت منحصر در زیاد نماز مستحب و روزه مستحبی گرفتن نمیباشد بلکه عبادت به زیاد فکر کردن و استخدام نمودن عقل است.



● همان ارزشی که جامعه ما برای احکام خداوند قائل است شبیه آن را باید برای قوانین مملکت قائل باشد... چون در رابطه با مقام "ولایت فقیه" سرچشمه گرفته از ولایت الله است.

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال جل سوم انسانی

● تخلف از قانون و مقررات یک معصیت و گناه عادی نمیباشد که خداوند با صرف پشیمانی از او بگذرد، بلکه خیانت به حقوق همه است.

مقررات را دانسته و فهمیده نادیده می گیرند در خط ضد انقلاب و طرفدار طاغوت می باشند

"وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ (۵)"
بدون تفاوت بین مردم و ملت و مسئولین دولت در سه قوه قضائیه یا اجرائیه یا مقننه. و باید توجه داشت که ضد انقلاب منحصر به فرارینهای در خارج و داخل که علیه جمهوری اسلامی رسماً و صریحاً ایستاده اند نمی باشند، بلکه این افراد هم همانند آنها هستند عملاً، بلکه بدتر، چون همراه با "نفاق" است و دورویی مخصوصاً اگر در قوای حاکم باشد که حاکمیت بخاطر انقلاب و شهدا و رهبرینهای امام و تلاش ملت برای شان حاصل شد.

آیا می توان از قانون شکنی یک سپاهی، یا یک ارتشی، یا بسیجی، یا یک روحانی مسئول گذشت؟ آیا می توان با کلمه اشتباه شده و تخصص نداشته و اینکه به فلان نهاد وابسته است از مجازات صرف نظر کرد؟ آیا با جهات دیگر همانند اینها می توان گفت یک بام و دو هوا؟! در خانه باید یک نکته را تذکردهم که

تخلف از قانون و مقررات، یک معصیت و گناه عادی نمی باشد که خداوند با صرف پشیمانی از او بگذرد، بلکه خیانت به حقوق همه است. چگونه باید خود را از عذاب خداوند نجات داد، کاری است مشکل، همانطور که قبول یک مسئولیت با عدم آگاهی و مدیریت باز گناه، و بر تخلف ها موأخذه می شود هر چند با غفلت باشد، که متکلمین گفته اند:

"الْإِثْمَانُ بِالْإِخْتِيَارِ لِأَيِّهَا فِي الْإِخْتِيَارِ"
یعنی آنچه را از گناهان که انسان مقدمات آن را با اختیار انجام داده، بر آن موأخذه و عذاب می شود، هر چند هنگام عصیان، قدرت ترک و مخالفت نمودن نداشته باشد.

- تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل
ادامه دارد
- ۱- سوره نحل آیه ۳۶
 - ۲- سوره ذاریات آیه ۵۶
 - ۳- تحف العقول صفحه ۳۶۲
 - ۴- سوره یوسف آیه ۴۰
 - ۵- سوره بقره آیه ۲۵۷